

تأثیر جهان بینی اسلامی در جایگاه مسجد به عنوان فضای شهری و نقش مسجد به عنوان یک رکن اساسی در شهر اسلامی در اقتصاد، فرهنگ و امنیت (نمونه موردی: شهر دزفول)

مهران علی الحسینی^۱

دانشیار گروه آموزشی شهرسازی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

رضا خیرالدین

دانشیار گروه آموزشی شهرسازی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

وحید سرافراز

دانشجوی دکتری شهرسازی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۷

چکیده

مسجد در شهرسازی سنتی، همواره در نقطه عطف محیط قرار می‌گرفت و در منظومه‌ای از عملکردهای متنوع و آشنا، بخشی از ملزومات حیات جاری شهر قلمداد می‌شد. هدف از مطالعه حاضر بررسی تأثیر جهان بینی اسلامی در جایگاه مسجد به عنوان فضای شهری و نقش مسجد به عنوان یک رکن اساسی در شهر اسلامی در اقتصاد فرهنگ و امنیت است. این پژوهش از نظر روش مطالعه، توصیفی - تحلیلی بوده و از حیث تجربی، شناخت فضایی و ساختاری فضایی کالبدی به وسیله نقشه پردازی شناختی از طریق کروکی پردازی و مصاحبه توأم با پرسشنامه، برای سنجش باز نمایی‌های شناختی و مفاهیم رفتاری در تعاملات اجتماعی صورت می‌گیرد. منطقه مورد مطالعه شهر دزفول از استان خوزستان است. یافته‌ها نشان داد که تقلیل جایگاه مسجد (به عنوان یک عرصه عبادتگاهی) و برداشت بسیار ناقص و محدودی از مفهوم و واقعیت مسجد به عنوان یک فضای اجتماعی صورت گرفته است. مساجد به عنوان جزئی از ساختار فضایی-کالبدی شهر، عنصری شکل دهنده و از محوریت‌ترین و ارزنده‌ترین عنصر کالبدی متبلور کننده جامعه اسلامی است که دارای عملکردهای متعدد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی در توسعه شهری دارند. بنابراین تثبیت محوریت مسجد از دیدگاه نظری به عنوان مفصلی انسجام بخش در ساختار کالبدی و فضایی محلات می‌باشد که می‌باید در برنامه ریزی و طراحی شهری در دستور کار مدیریت توسعه محلی قرار گیرد.

کلیدواژه‌گان: مسجد، محله و سکونت، انسجام اجتماعی و کالبدی، تعاملات اجتماعی و دل‌بستگی به مکان.

مقدمه

شهر نوعی سازمان‌یافتگی اجتماعی در فضا است که باید آن را تولیدکننده دائم فرهنگ به شمار آورد. زندگی متجدد در شهرها، شرایط جدیدی از نحوه سکونت را القاء می‌کند که خواسته یا ناخواسته نوعی روزمرگی را به همراه آورده است (کریمی، ۱۳۹۹). در تلاطم زندگی روزمره، فلسفه حضور انسان در اجتماع و فضای شهری با پرسش‌هایی همراه است. اگر محیط شهری زمینه‌ای فراهم کرده باشد تا قالبی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های بنیادی فلسفه حضور در فضای شهری داشته باشد، از نظر ابعاد هستی‌شناسی به موجودیت انسان در فضا معنا می‌بخشد. اگر محیط شهری نتواند پاسخ‌گوی ابعاد فطری و ساحت‌های وجودی انسان باشد، در عوض الگوی زندگی منطبق با شیوه صنعتی و گاه توأم با نامالایمات روانی شکل خواهد گرفت. (مهری، ۱۳۹۶). شهرهای دوره اسلامی بر محور مساجد جامع و بازارها رشد یافته‌اند. این مساله نشانگر تغییر در رویکرد فرهنگی و آیین ساکنان قدیم و جدید شهری می‌باشد و موجب گردید که شهرهای ایران پیش از اسلام در کنار خود ساختاری جدیدی را تجربه نمایند. (میردهقان و اشکندری، ۱۳۹۸) محیط انسان‌ساخت وسیله‌ای برای تطابق انسان با محیط است و آنچه این تطابق را ممکن می‌سازد فرهنگ و یا به عبارتی نظام ذهنی است. به طوری که با تأثیرپذیری محیط انسان‌ساخت از فرهنگ، رفتار انسان به نمایشی تشبیه می‌شود که محیط مصنوع، آنرا را برای هر چه بهتر نقش انسان فراهم می‌کند. در این نظرگاه، محیط مصنوع ابزاری برای تنظیم رفتارهای انسان است. فعالیت به عنوان عینی‌ترین تعبیر فرهنگ، احتیاج به خرد شدن بیشتری دارد (راپاپورت، ۱۳۶۶) در هم‌ریختگی انسجام در محیط انسان‌ساخت و بافت محله‌های شهری از آغاز دوران تجدد رفته رفته شکل گرفت و در نهایت منجر به کاهش بار معنایی و ارزش‌های فرهنگی در فضای سکونت و بافت کالبدی محله شده است. از طرفی شناخت فاکتورهای فرهنگی هر جامعه و ترکیب آن با فضای شهری، فرصتی را به وجود خواهد آورد که نیازهای کالبدی، محیطی و روان‌شناختی جوامع برآورده خواهد شد (پوردیهیمی، ۱۳۸۲). محیط‌های مصنوع اساساً همه چیزهایی را که انسان ایجاد، تغییر، تنظیم و نگهداری می‌کند، دربر می‌گیرند «به نظر می‌رسد آنچه امروزه سبب کاهش انگیزه حضور آدمیان در این بستر مقدس و متبرک شده است، غفلت طراحان و سازندگان امروزی از پیوند ناگسستنی انسان با مقدسات، فرهنگ و سنت به مثابه برجسته‌ترین عناصر هویت‌بخش بشری است. تسامح و بی‌توجهی موجب گشته تا مساجد، که روزگاری تبلوری مقدس و آشکار از فضاهای مذهبی، اجتماعی سیاسی و فرهنگی بودند کم‌کم نقش حیاتی‌شان را از دست بدهند و لایه‌های معرفتی و معنوی‌شان در غباری از غفلت و ناآگاهی مدفون گردد» (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹). تقرب به محله‌های اسلامی - ایرانی، ضرورت بازخوانی ارزش‌های مستتر در فضاهای ارزشی و فرهنگی را ضروری می‌نماید. رسیدن به چنین دست‌یافتی، در محله‌های اسلامی - ایرانی نقشه راهی، در سطح محله خواهد بود. از دیرباز بناهای اسلامی مخصوصاً مساجد در شهرها یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده در توسعه شهرها به شمار می‌آمدند، بنای مساجد نقش ویژه‌ای در توسعه شهرها داشته و در شهرهای اسلامی نمادی شکوهمند و به نوعی سمبل هویت اسلامی تعریف می‌شوند، مسجد به عنوان محور و عضوی از عناصر اصلی شهر، از مهم‌ترین کاربری‌های شهری در شهرهای اسلامی و به عنوان رکن اصلی هویت بخشی توسعه شهری است که به صورت عامل بارز هویتی و عصاره شهر در ساختار شهری ایفای نقش کرده و به عنوان با اهمیت‌ترین فضاهای شهری نقش بسزایی در شکل‌گیری و روند توسعه شهرها بویژه شهرهای اسلامی جایگاه رفیعی را پیدا کرده

است (مهری، ۱۳۹۶). مطالعه مسجد یک ضرورت فوری در تمام جوامع اسلامی است؛ زیرا کارکردها و کاربردهای مسجد امروز تغییر کرده است و این تغییر بیانگر نوعی انفصال در روابط سنتی پذیرفته شده مسلمانان با محل عبادت آن‌هاست. تغییر کارکردها و کاربردهای مسجد در کنار اهمیت یافتن و احیای جایگاه و نقش مسجد در سراسر جهان بوده است. دین در جهان معاصر اهمیت یافته است و مراکز و سازمان‌های دینی مانند کلیساها و مساجد مجدداً اهمیت سیاسی و اجتماعی پیدا کرده‌اند (رضازاده، ۱۳۸۹). ضرورت طرح موضوع مسجد در فضای شهری و سکونت، گامی جلو رونده در ایجاد یکپارچگی فضا از پایین به بالا (معکوس) و در جهت بهبود تعاملات اجتماعی است. شالوده تفکر و جهان‌بینی مکتب اسلامی، نسبت به مفهوم سکونت، رهیافتی، در جهت بازخوانش نقش مسجد در بافت شهری است؛ تا بتوان دستگاه فلسفی خود را بر آن پایه‌ریزی کرد و اصول، قواعد و دستور زبان طراحی شهری کنونی ویژه از آن تبعیت کند. عنصر مسجد هم فرهنگ ساز و هم تمدن ساز است. عنصری کلیدی جهت اصلاح رفتار و فضا است. یعنی عنصری اثر گذار هم از نظر بعد کالبدی-فضایی و هم بر نقش هدایت رفتاری اثر گذار است (فاضلی، ۱۳۸۷). پژوهش‌هایی که تاکنون در این باره انجام شده است، بیشتر تبیین مبانی نظری و مفاهیم و یا توصیف کالبدی بناهای مذهبی بوده است و کمتر پژوهشی به ذهنیت مردم از کالبد مسجد پرداخته است. توجه صرف به معماری و شهرسازی سنتی بدون توجه به رفتارها، فرهنگ و سنت‌های اجتماعی - مذهبی، کاری عبث و کم فایده است. اگر ارتباط با معبود در نظام ارزش‌های اسلامی به شیوه درست و به جا صورت گیرد، عدالت در بعد الهی در معماری و شهرسازی محقق گردیده است و عدم تحقق هر یک از ابعاد ظلم تلقی می‌شود. مسجد النبی نماد نیایشگاه اجتماعی برای همه مکاتب توحیدی است؛ چرا که تمام ابعاد صوری و معنایی که برای خانه کعبه به عنوان یک مسجد خانوادگی مطرح می‌باشد برای مسجد النبی و هر مسجد اجتماعی دیگر نیز مطرح است (نقره کار و علی‌الحسابی، ۱۳۹۶)

این پژوهش تلاشی برای عطف به کمبود مطالعاتی، در تشریح پیوند بین ابعاد کالبدی و اجتماعی محله است. همچنین بررسی و تبیین انسجام ساختار فضایی-کالبدی محله و مسجد شکل می‌گیرد. بنابراین به دنبال بررسی تأثیر جهان بینی اسلامی در جایگاه مسجد به عنوان فضای شهری و نقش مسجد به عنوان یک رکن اساسی در شهر اسلامی در اقتصاد فرهنگ و امنیت می‌باشد.

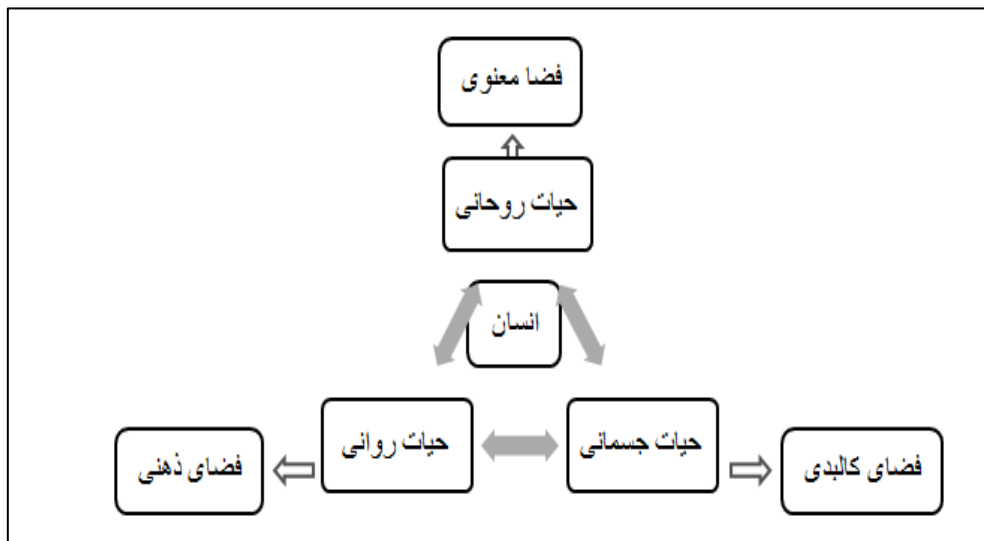
با توجه به این که به نظر می‌رسد در شهرهای معاصر، سبک زندگی متأثر از رویکرد عقلانیت مدرنیته است سؤالات مطرح شده که پژوهش بر اساس آن تنظیم شده‌اند از این قرارند:

۱. جایگاه جهان‌بینی اسلامی، در ساختار فضای شهری معاصر کجاست؟
۲. مسجد به عنوان مظهر عینی جهان‌بینی اسلامی، آیا می‌تواند مصداقی اثر گذار بر ساختار کالبدی-فضایی باشد؟

مبانی نظری

در بینش اسلامی، حیات دارای دو ساحت ماده و معناست (جسم و روح/ عالم طبیعت و عالم متافیزیک) (امیرفخریان و همکاران، ۱۳۹۴)؛ و همان‌طور که پیش‌تر گفته شد ساحت‌های وجودی انسان جسمی (ماده)، حیات روانی (ذهنی) و حیات روحانی (عالم روح) است. بر این اساس فضای زیست انسان شامل: ۱. فضای کالبدی

(محیط شکل گرفته) ۲. فضای ذهنی؛ شامل شیوه تفکر، منش و منشی ساکنان ۳. فضای روحانی یا معنوی؛ شامل گرایش‌های متعالی و ارتباط دهنده ساکنان با عالم ملکوت است. ارتباط سه گانه انسان با محورهای اشاره شده وجه افتراقی است که شهر اسلامی با تفکر غرب برقرار می‌کند. (نقی‌زاده، ۱۳۹۵)



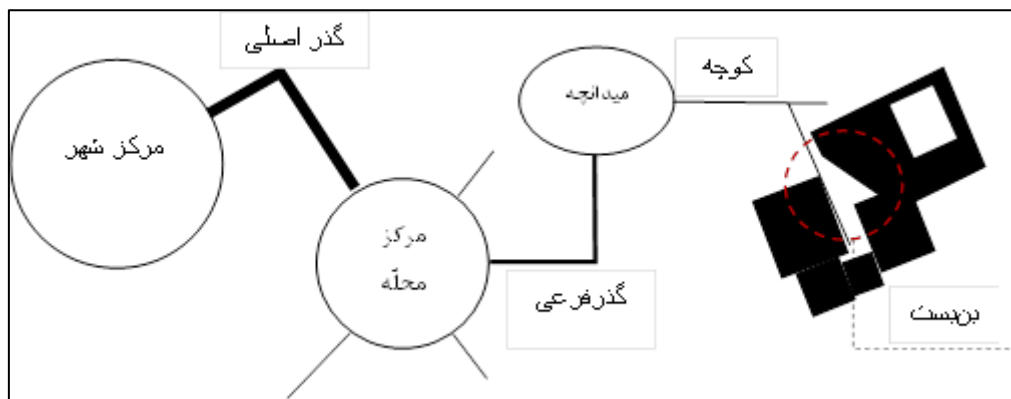
نمودار ۱. معنا و مفهوم شهر اسلامی

منبع: (نقی‌زاده، ۱۳۹۵)

امروزه با تخصصی شدن فعالیت‌ها و گسترش تفکر سوداگری به ویژه در بخش زمین، تبلیغ رواج جدایی دین از زندگی جمعی، نقش مسجد را در شهرها دگرگون کرده است و ایفای نقش اجتماعی مساجد از آنها گرفته شده است. به این ترتیب، مساجد امروز به صورت منفک از سایر عملکردهای شهری در کنار معبری قرار گرفته‌اند و نسبت به سایر فعالیت‌ها، مرکزیت و تسلطی را القا نمی‌کنند. تاثیر اندیشه‌ها و تفکرات مدرنیستی غرب بر فرهنگ و تمدن ایرانیان، فضای شهری ایرانیان را به سمت محوریت عوامل فرعی سوق داده است و شهر اسلامی که با هویت‌ترین و شاخص‌ترین نشانه آن مسجد می‌باشد؛ جای خود را به شهری بی‌هویت می‌دهد که هر جزء خود را از اندیشه و فرهنگ دیگری وام می‌گیرد. به عبارتی می‌توان گفت عدم همپوندی در بافت، نداشتن دسترسی‌های مناسب و نبود تنوع فضایی در مساجد معاصر سبب آن شده که مساجد معاصر حتی با وجود معماری‌های فاخر، اجتماع‌پذیر نباشند و در نتیجه دلبستگی به مکان و حس مکان در فضاهای عمومی نظیر مسجد دچار آسیب است (میردهقان و اشکندری، ۱۳۹۸)

طبق ساختار حاکم بر فضا در شهر اسلامی باید گفت شهر عبارت است از نمایش فضایی شکل و ساختمان اجتماعی که براساس ایده‌آل‌های اسلامی، فرم‌های ارتباطی و عناصر تزئینی خود را نیز در آن وارد کرده است؛ اما فراتر از آن، اصل دیگری بر جامعه مسلمانان حاکم است و آن محدود نبودن به زمان و نداشتن جغرافیای خاص است که مفهوم امت اسلامی آن را تعریف می‌کند. شهر اسلامی متأثر از شهروندان مسلمانش، هویتی مستقل پیدا می‌کند. در شهر اسلامی، فرم (هویت کالبدی) به تبعیت معنا (هویت محتوایی) تعریف می‌شود و کالبد، هویت خود را از محتوا اخذ می‌کند و این متأثر از بنیان‌های نظری هنر و معماری اسلامی است (بمات، ۱۳۶۹). این تقسیم‌بندی وجه تمایز مکتب اسلامی و تأثیر آن بر فضای سکونت در شهر و محله‌های اسلامی- ایرانی بوده است. در نتیجه بخش مهمی از طراحی فضا با معنا و محتوا ارتباط دارد (رشید، ۲۰۱۲). در شهرسازی اسلامی- ایرانی، مسجد عینیت جهان‌بینی در

ساختار شهر است. هم فرهنگ‌ساز و هم تمدن‌ساز است. مساجد به عنوان محل اجتماع مومنان، در هر صبح، ظهر و شام همواره در قلب مجتمع های زیستی و محله های مسکونی جای داشته و در طول تاریخ جایگاه فعالیت ها و عملکردهای متعددی بوده است. یکی از اصول حاکم بر جهان بینی اسلامی-ایرانی "سیر از ظاهر به باطن پدیده‌ها است" (نقره‌کار، ۱۳۹۲) معماری و شهرسازی اسلامی، بازآفرینی و ساماندهی حکیمانه و عادلانه فضای زیست انسان‌ها، با اجزاء و عناصر طبیعی و مصنوعی، متناسب با نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها و در راستای سیر کمالی آنها است. در نتیجه وجود مسجد نه تنها در کالبد بلکه باید بر هر سه فضای فکری، عملکرد و عینی، تأثیر گذار و کارآمد باشد. بر همین اساس توجه به ماهیت مسجد چه در برنامه‌ریزی شهری و چه در طراحی ضروری می‌نماید. پیوند میان مرکز شهر و محله از طریق گذر: همان‌طور که شهر دارای مرکز بوده، محلات شهر نیز دارای مراکزی بوده‌اند که عناصر عمده و فضاهای آن بنابر وضعیت اجتماعی و اقتصادی ساکنین محله شکل می‌گرفته‌اند. مرکز محله معمولاً در مسیر تقاطع دو یا چند گذر اصلی بوده‌است گذرها شبکه اصلی رفت و آمد و ارتباط شهری بین مراکز محله و مرکز اصلی شهر از طریق گذر امکان پذیر است (توسلی، ۱۳۸۱).

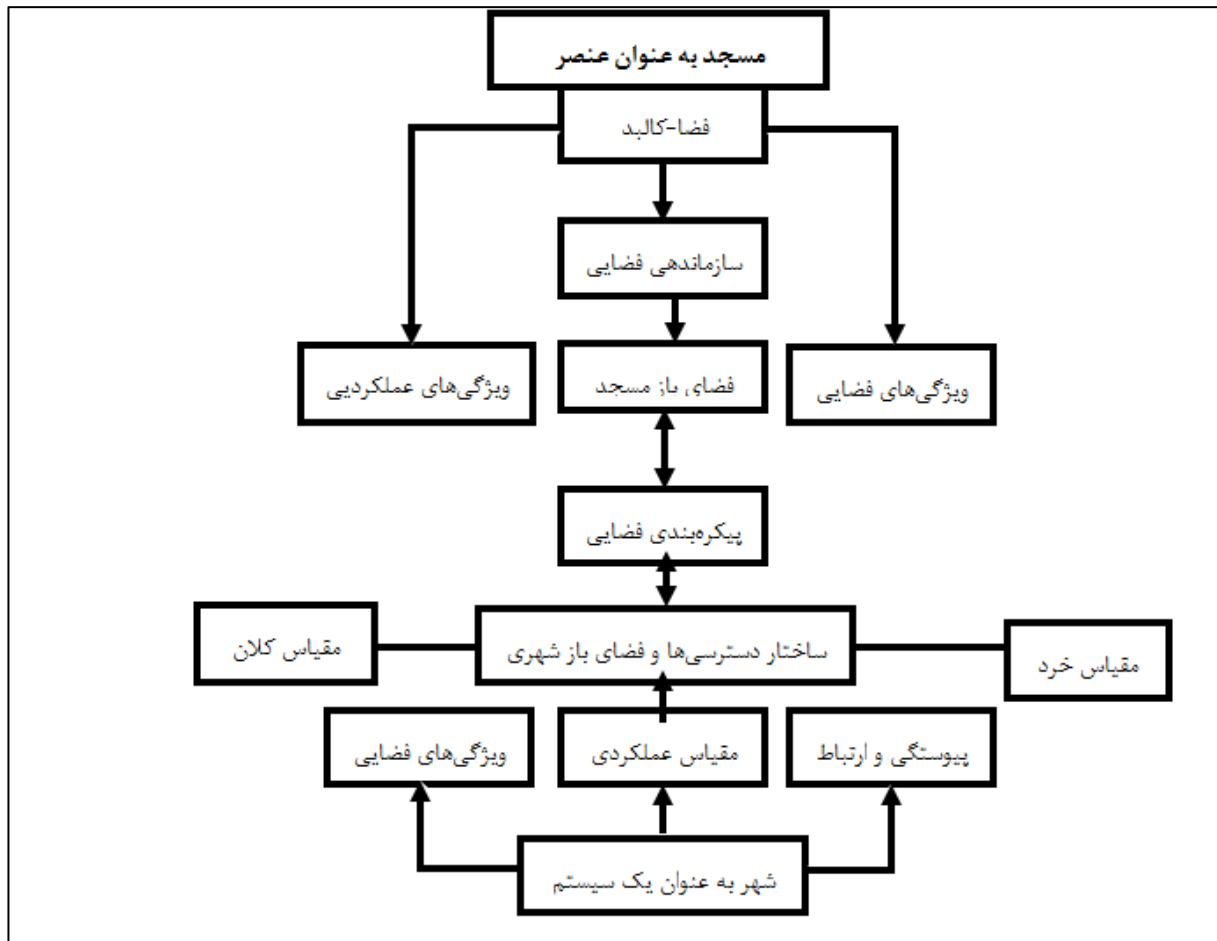


نمودار ۲. سلسله مراتب فضا و دسترسی در ساختار شهر اسلامی - ایرانی

منبع: (توسلی، ۱۳۸۱)

در میان انواع فضاهای شهری و قلمروهای همگانی یکی از مهم ترین فضاهای شهری که تأثیر روشنی بر تصویر ذهنی مردم از شهر دارد، مراکز اجتماعی است که در میدان‌ها و محلات بیش از سایر بخش‌ها وجود دارند (کریمی، ۱۳۹۹). عنصر اجتناب ناپذیر هر محله میدانی بود که در قلب آن جای می‌گرفت و عمومی‌ترین و مردمی‌ترین فضای آن محسوب می‌شد و عمدتاً نام آن محله را بر خود داشت (پاکزاد، ۱۳۸۷). مراکز محلات شهر عمده عناصر و فضاهای آن بنابر وضعیت اجتماعی و اقتصادی ساکنین محله شکل می‌گرفته‌اند. مرکز محله عناصری مانند مسجد، میدانچه، یا حسینیه، بازارچه یا آب انبار را در خود جای می‌داده است و در مسیر تقاطع گذرها بوده‌است. مرکز شهر یا مرکز محلات با مکان‌هایی که در آنها پاتوغ نامیده می‌شد، محل فعالیت‌های گوناگون و ارتباط اجتماعی بوده‌است (توسلی ۱۳۸۱). این خود عاملی مؤثر در جذب ساکنان به میدان محله محسوب می‌شد. وجود مراکز میدان محله‌ای و میدان مراکز شهری، همه و همه به منظور سازمان‌دهی و ارتباط اجزاء و عناصر کالبدی محله و انسجام بین مجموعه از واحد همسایگی تا میداین اصلی و مرکزی شهر است. به‌طور کلی با وجود تفاوت‌های مختلفی که میان شهرهای سنتی مسلمانان وجود دارد؛ می‌توان دو عامل بافت و ساخت شهر را از نقاط مشترک ویژگی‌های کالبدی-فضایی شهرهای اسلامی به شمار آورد که دربردارنده پیچیدگی ظاهری و درونی شهرهای اسلامی است (بن‌هاوشه، ۲۰۰۹).

در شهرهای اسلامی مسجد عنصری جدید است که نه تنها محوریت در مرکزیت شهر را به خود اختصاص می‌دهد بلکه در محله از اجزای اصلی تشکیل دهنده آن می‌شود. " در شهر اسلامی، کهن‌دژ و دارالحکومه، بازار، مساجد، مدارس و محلات، همگی تجسمی از نظام حکومت، اصناف، اجتماعات مذهبی و امت هستند " (حبیبی، ۱۳۸۷). آنچه در دوران تجدد اتفاق افتاد و به تبع آن شهرها و محلات ایران از آن مستثنی نبود، تغییر یکباره‌ای بود که به طور همه جانبه تحت تاثیر شرایط حاکم برون‌زا به کشور ایران ورود پیدا کرد. این تغییر بدون تطبیق با فرهنگ و ارزش‌های ساختاری محله‌هایی بود که بصورت تدریجی و در طول زمان شکل گرفته بودند. در چنین شرایطی، حلقه‌های انسجام در ساختار فضایی و کالبدی محله‌ها گسسته شد و ارزش‌های فرهنگی، رو به کم‌رنگ شدن نهاد. در چنین شرایطی انتظار نمی‌رود ساختار و کالبد محله‌های معاصر نقش ابزاری تنظیم کننده را داشته باشد. مساجد در واقع تجلیگاه دین مبین اسلام هستند و از این جهت جزء غنی ترین حوزه های سرمایه ی اجتماعی محسوب می‌شوند که همواره نقش تعیین کننده‌ای در توسعه جوامع به ویژه جوامع محله‌ای و شهری دارد (مهری، ۱۳۹۶). مساجد یکی از پیکره های انسجام فضایی در محله‌های گذشته بوده است که تأثیر آن بر ادراک ساکنان در کالبد محله های متجدد موضوع مورد مطالعه این پژوهش قرار گرفته شده است. رویکرد فرهنگ اسلامی - ایرانی در این پژوهش، بستری برای پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی فراهم خواهد آورد. نگاه چند بعدی به عنصر چند وجهی مسجد، در ساختار اجتماعی - فضایی، نقش تعیین کننده آن را، به منصفه بروز خواهد رساند. مسجد بالقوه مستعد ازدحام اجتماعی ناشی از حضور زیاد افراد است (سجادزاده و یوسفی ها، ۱۳۹۴). در معماری اسلامی، مسجد جایگاه و نقش مهمی داشته و به عنوان تمثیلی از وحدت مسلمانان و جهت گیری در زندگی بشر شناخته می‌شود. از آغاز پیدایش مفهوم شهر اسلامی در ایران، مسجد به عنوان بارزترین تجسم خارجی بینش اسلامی، به دلیل نقش و رسالت محوری عبادی، اجتماعی و فرهنگی آن، همواره در کانون توجه ساختار اقتصادی، اجتماعی و فضایی قرار داشته است (محمدی و فیروزی مجنده، ۱۳۹۴).



نمودار ۳. مسجد در فضای خرد و کلان

منبع: (سلطانی‌فرد، ۱۳۹۵).

چیدمان فضایی عنصر مسجد جامع در ارتباط مستقیم با ساختار و استخوانبندی اصلی شهر قرار دارد. این ویژگی کالبدی-فضایی مسجد، انعکاسی از اصول اسلامی و آموزه‌های دینی است و با منطق اجتماعی آن در ارتباط است؛ نگاه اسلام به مسجد، به عنوان یک فضای اجتماعی و مکانی برای قرار گرفتن گروه‌های مختلف اجتماعی در کنار یکدیگر و شکل‌گیری تعاملات میان آن‌ها است (اعظم، ۲۰۰۷). کریمی با مطالعه ۶ شهر ایرانی به بررسی رابطه عناصر اصلی با ساختار کلی شهر پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که رابطه و منطق فضایی توزیع عناصر اصلی شهر نظیر بازار، میدان، کاروانسراها و مسجد جامع با کلیت شهر، منطق فضایی، نحوه استفاده مردم از فضا، عملکردهای اجتماعی-اقتصادی آن و الگوی دسترسی‌ها در ارتباط مستقیم است. در نتیجه تحلیل ساختار کالبدی-فضایی یک شهر اسلامی، متأثر از ساخت کالبدی و منطق فضایی عناصر آن است که بر اساس قوانین شریعت اسلامی، نیاز اجتماعی و کارکردی اقتصادی شکل و توسعه یافته‌اند (کریمی، ۱۳۷۶). دو اصلی که باید در مکان‌یابی مسجد مورد توجه قرار گیرد: توزیع متعادل و متناسب و قابلیت دسترسی به آن‌هاست. در گذشته با توجه به وظیفه‌ای که داشتند در سطح شهر بر اساس یک نظام سلسله مراتب فضایی طراحی و مکان‌یابی می‌شد (باقری، ۱۳۸۷). مسجد بر حسب حوزه کارکردی را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: ۱. مساجدی که در رابطه مستقیم با حکومت قرار گرفته، ۲. مساجدی که در محور اصلی و ستون فقرات جای می‌گرفتند، ۳. مساجدی که در مرکز محله‌ها و

مجموعه‌سازی‌های کنار آن شکل می‌گرفت، ۴. مساجد که در زیر محله‌ها به‌صورت پراکنده شکل می‌گرفت؛ و در یک دسته بندی کلی تر

۱. مسجد جامع: که هر شهر فقط دارای یک مسجد بوده

۲. مساجد ناحیه‌ای: معمولاً حوزه کارکردی فراتر از یک محله بوده است

۳. مساجد محله‌ای:

در ساخت شهر اسلامی - ایرانی، عناصری در ایجاد پیوستگی و ارتباط فضایی نقش مؤثری دارند. ترکیب و هم پیوندی این عناصر در نهایت به اصل انسجام و یکپارچگی در ساخت کالبدی - فضایی شهر را به وجود آورده است. اصل انسجام و یکپارچگی متشکل از این عناصر نمود عینی فرهنگ و هویت یک اجتماع شهری را به وجود آورده است. (معاونت امور اجتماعی شهرداری تهران، ۱۳۸۴):

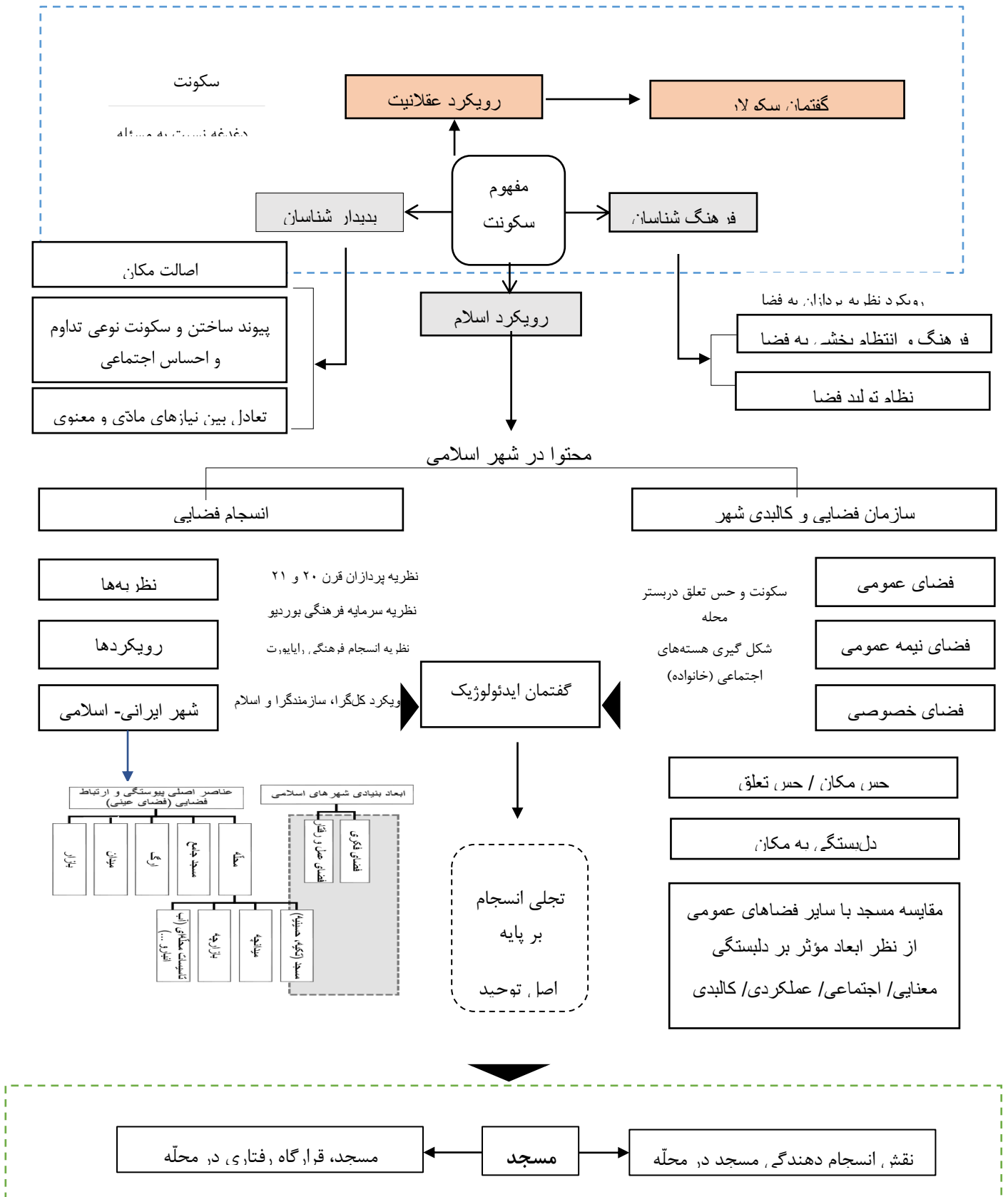
مسجد همچنان که با مردم و زندگی آنها پیوند روحی و مادی داشته و دارد، اغلب از نظر فیزیکی هم جزئی از شهر به شمار آمده و در حقیقت می‌تواند برای آن حکم کانون باشد. هر شهر یک مسجد جامع و هر محله چند مسجد کوچکتر داشتند. مراکز اقتصادی مهم در اطراف مسجد قرار داشتند. در شرایط زندگی امروز یک غریبگی ملموس بین مسجد و نمای شهری وجود دارد. عدم تداوم طرح هندسی، نقش‌های کلی، رنگ و جنس مصالح، بافت و ساخت و شکل حجمی بنای مسجد با بناهای مجاور و بالعکس، شاخص‌ترین نقیصه‌ای است که در اکثر نماهای مورد بررسی مشاهده می‌شود. اغلب مساجد در نماهای شهری وابسته فاقد جذابیت بصری و پیراستگی لازم برای انتقال بصری تجربیات بوده و به طور کلی مطلوبیت کیفی نماها خدشه دار شده‌اند. بناهای مذهبی، یکی از اساسی‌ترین عناصر بافت، ساخت و شکل شهرها بوده‌اند. تداوم حضور بناهای مذهبی در شکل شهر، از ظهور اولین شهرهای شناخته شده تا امروز با حیات شهر عجین شده‌اند. یکپارچگی بین ساختار شهر و همبستگی اجتماعی در شهرها و محله‌های گذشته را می‌توان استمرار دانست که، در گذر زمان فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی را شکل داده است. طی تحولات گذشته در ساختار و بافت شهرها و محله‌های ایران انقطاعی تاریخی بوجود آمده است. در گذر زمان این تحولات، شیرازه محله‌های شهری را از هم گسسته و ارزش‌های فرهنگی نادیده انگاشته شده‌است. اصل هم‌پیوندی که یکی از اصول معماری و شهرسازی ایرانی است، آسیب دیده و مؤلفه‌های شاخص فرهنگی در محله کم‌رنگ شدند. در نتیجه نظام تعاملات محله‌ای بدلیل مناسبات زندگی امروز دچار اختلال شده و نوعی از هم‌گسیختگی اجتماعی در بستر شهر بوجود آمده است. عنصر مسجد است که یکی از خصوصیات منحصر بفرد محله‌های اسلامی - ایرانی است.

(رضازاده ۲۰۰۴)، نشان داده است که در غالب افراد به استثنای جوانان، تیپ سنتی معماران مساجد، از مطلوبیت بیشتری برخوردار بوده است. در پژوهش انجام شده، تاکید بر فرم بیرونی مسجد و ارتباط آن با بدنه و ساختار فضایی محله بوده است (فلاح، ۲۰۰۵) در پژوهشی به بررسی حس مردم نسبت به مساجد معاصر ساخته شده با طرح‌های کالبدی مختلف پرداخته است. نتایج نشان داده است که جنسیت، میزان تحصیلات و سن نمازگزاران عوامل مهمی در تفاوت حس مکان مسجد نیستند. اما نشانه‌های کالبدی، طرح معماری و فعالیت‌ها، شناسه‌های مهم تعریف‌کننده مسجد است. همچنین این پژوهش نشان می‌دهد که طراحی مناسب مساجد از جهت ابعاد و تناسب فرم، بافت و روابط فضایی، به عنوان مهمترین ویژگی کالبدی، عوامل مهمی در تشخیص مسجد

هستند. محمدی و فیروزی مجنده (۱۳۹۵) در پژوهشی نشان داده است که از آغاز پیدایش مفهوم شهر اسلامی در ایران، مسجد به عنوان بارزترین تجسم خارجی بینش اسلامی، به دلیل نقش و رسالت محوری عبادی، اجتماعی و فرهنگی آن، همواره در کانون توجه ساختار اقتصادی، اجتماعی و فضایی قرار داشته است. به دلیل این نقش محوری، سهولت ارتباط عناصر و ارکان شهر ایرانی - اسلامی با مسجد، همواره از اولویت کاملی برخوردار بوده است. بهادریان (۲۰۱۴) در پژوهشی نشان داده است که امروزه مساجد با تغییر نقش های اجتماعی روبرو شده اند و با شتاب شهرنشینی و رواج الگوهای شهرسازی کارکردگرا و اعمال دخالت و سلیقه، ساخت مساجد اغلب به یک امر آگاهانه و دولتی تبدیل شده است که طی آن برخی از محلات شهری از این فضا برخوردار و برخی دیگر محروم شده اند. آیهان (۲۰۱۰) در مقاله خود به این نتیجه رسیده که مساجد همواره یکی از اجزای جدایی ناپذیر از عناصر شهری در طول تاریخ تمدن دوران اسلامی بوده اند که بررسی تاریخی آنها به تحلیل توسعه تاریخی شهرها کمک می نماید. کارمونا (۱۳۹۴) در پژوهشی به بحث در مورد "بعد ادراکی" فضا و مکان در شهر می پردازد. آگاهی نسبت به جنبه های ادراک محیط و توجه به آن بالاخص ادراک و تجربه «مکان» یکی از ابعاد مهم و اساسی در طراحی شهری است. موضوع اصلی این فصل جستجو و تحقیق در مورد شیوه های مشاهده محیط توسط مردم و نحوه تجربه مکان توسط آنان است. راجر ایوانز (۱۳۹۶) در پژوهشی کیفیت مکان هایی که در آن ها زندگی می کنیم بر کلیه جنبه های زندگی ما تاثیر گذارند. طراحی خوب بر چگونگی احساس امنیت و آسایش قدم زدن در اطراف، خواه فروشگاه ها و مدارس، خواه مکان های امنی که فرزندانمان در آن ها بازی می کنند، تاثیر خواهد گذاشت. همچنین بر دسترسی خوب برای حمل و نقل عمومی و انتخاب درست مکان هایی برای زندگی، تاثیرگذار خواهد بود. به همین دلیل ضروری است مکان هایی که ما ایجاد کرده و بهبود می بخشیم اصول طراحی شهری خوب را مجسم کنند. یگانه و بمانیان (۱۳۹۴) در پژوهشی بر ارتقای کیفیت محیطی به عنوان هدف اصلی طراحی شهری تأکید داشتند و پیوستگی و انسجام را یکی از اصلی ترین معیارهای کیفیت فضاهای شهری مطرح کردند. در ضمن گزارش کردند که فضاهای سنتی و بومی مورد بررسی عمدتاً واجد چنین کیفیتی بودند. حبیبی (۱۳۸۱) در پژوهشی بر این موضوع تأکید کرده است که در بافت های قدیمی شهرهای ایرانی محو اجزاء در کل به خوبی دیده می شود. در بسیاری از مطالعات اشاره شده است که انسجام فضایی به عنوان مشخصه های رابطه ای بین عناصر فیزیکی محیط، شناخت فضایی مردم را تحت تأثیر قرار می دهد. انسجام و یکپارچگی فضایی نیرو محرکه ای برای فعالیت انسان در محیط های شهری است. (جینگ، ۱۹۹۸) انسجام شهری همواره از اساسی ترین کیفیت های ساختاری و از اصول محوری در شهرها بوده است؛ بنابراین شبکه منسجم فضاهای شهری ساختار یکپارچه سازمان فضایی یک شهر را نشان می دهد که در آن نه تنها پیوند و اتصال فرم و عملکرد فضاها مد نظر است، بلکه معنا نیز جایگاه خود را در کل سیستم پیچیده شهری پیدا می کند. در حوزه شهرسازی و در "نظام شهرسازی سنتی شهرهای کشور، معرف یکپارچگی فضای شهری در کل و عملکرد خرد است که ثمره این گونه طراحی شکل گیری فضاهای شهری سرزنده، پویا و مردم وار در سیستم کلان شهرهای تاریخی کشور بوده است" (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۲). فضای شهرهای سنتی را می توان به عنوان مجموعه هایی به هم پیوسته تلقی کرد که در یک نظام سلسله مراتبی خاص شکل گرفته و به صورت منسجمی با یکدیگر پیوند خورده اند (پورجعفر و اسمائیلیان، ۱۳۹۲: ۶۶). به طور کلی می توان گفت ساختار

هر پدیده، استخوانبندی و بخش اساسی آن است که موجودیت هر پدیده بر آن بنیان نهاده شده است. ساختار هر پدیده، اجزاء متعدد آن را حول خود سازمان‌دهی کرده و آن پدیده را شکل می‌دهد و به نظم در می‌آورد. علاوه بر این روح و معنای پدیده نیز در گرو ساختار آن هست (فلاح و کمالی، ۱۳۹۶). توسعه کالبدی شهرها همواره با ظهور واحدهایی با شکل‌های جدید همراه است. شهرسازی برای نظارت و جلوگیری از تشدید چندگانگی در شکل شهرها به ارتقای توانایی‌های نظری و مهارت‌های عملی برای انسجام این اجزای نوظهور در کل شهر، نیازمند آگاهی از رویکردهای هماهنگ نسبت به انسجام شکل کالبدی شهرهاست (تولایی، ۱۳۸۵). این مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی است؛ که بر مبنای یک استدلال منطقی و با اتکاء بر مطالعات کتابخانه‌ای، آمار کمی و اسنادی به بیان مستدل از مفاهیم پرداخته شده است. بر این اساس سعی شده است که از طریق جمع بندی نظرات و دیدگاه‌های صاحب‌نظران و استفاده از تجربیات موفق و ناموفق ادعاهای خود را استوار نموده و همچنین الگویی نظری و قاعده مند ارائه دهد. بر این اساس دغدغه نسبت به موضوع سکونت از سه دیدگاه عمده که به وجه معنایی سکونت تقرب داشته، پرداخته شده است.

نمودار ۴. چارچوب مفهومی تحقیق



پس از تحلیل مباحث عنوان شده، جامعیت دیدگاه اسلامی نسبت به مفهوم سکونت موجب شد تا موضوع پژوهش از منظر شهرسازی اسلامی بررسی شود. دیدگاه نظریه‌پردازان و قرآن کریم در رابطه با شهر اسلامی بررسی شد. پس از آشکارسازی پژوهش‌های گذشته نگر و کالبدی، معنا و شاخصهای فراکالبدی شهر اسلامی توسط اندیشمندان اسلامی استخراج شده است. انگاره‌های شهر اسلامی نه محصر به زمان است و نه مکان، یعنی شهری فرا زمانی و فرامکانی که مناسب زیست بر روی زمین در جهت کرامت و تعالی انسان است. با این توصیف مفهوم سکونت از منظر معناشناسانه طرح گردید. دو رویکرد تشخیص فضا و عملکرد عاطفی یا همان حس مکان به فضا در این رابطه ذکر شد. با استفاده از نظریه دل‌بستگی به مکان سهم مسجد نسبت به سایر فضاهای عمومی در شهر از نظر ابعاد معنایی، اجتماعی، عملکردی و کالبدی در ارتباط با دل‌بستگی به مکان به منظور تدقیق شاخص‌های سنجش و معیارهای مؤثر بر انسجام فضایی مورد بررسی قرار گرفت. برای بررسی رابطه تعاملات اجتماعی در ساختار محلات با تقویت ارزش‌های فرهنگی در زمینه اثبات وجود این رابطه پرداخته شده است. این قسمت از پژوهش مبتنی بر تبیین مفاهیم از بررسی مطالعه مصادیق است. به عبارتی با مطالعه برخی محله‌های شهری در نمونه موردی که از ارزش‌های فرهنگی و مذهبی برخوردار بوده، سنجش کیفیت تعاملات اجتماعی در این محلات بررسی شد. با مشاهده و مطالعه موارد مختلف به اثبات رابطه تأثیر ساختار فضایی مسجد و مختصات آن در رابطه بین انسجام بافت محله و تعاملات اجتماعی پرداخته شد. بدیهی است این قسمت از مطالعه با بررسی‌های میدانی، مصاحبه، بررسی‌های نقشه‌های دویبعدی و هوایی و حضور در بافت بصورت پیمایشی میسر شد. انتخاب نقاط مورد نظر از فضاهای واجد ارزش در محله‌های معاصر میانی (دوره پهلوی) و بیرونی (بعد از انقلاب) است. می‌توان از محله‌های بافت تاریخی به عنوان شاخص سازی استفاده شود. بدیهی است در هر قسمت از بررسی و مقایسه بین بافت‌های مختلف از طریق مصاحبه، عکس برداری نقشه‌های اتوکلد و هوایی و غیره، به تحلیل فضایی مختصات مسجد در ساختار فضایی محله بین رابطه دوسویه تعاملات اجتماعی و انسجام کالبدی - فضایی محله و مؤلفه‌های اثر گذار مورد بررسی قرار گرفت. رویکرد و روش تحقیق در پژوهش حاضر، رویکرد کمی و کیفی بوده و به دنبال ارائه تبیین‌های مبتنی بر قوانین جهان‌شمول می‌باشد. در روش کمی و کیفی همه چیز از یک سلسله مفاهیم کلیدی و از پیش تعیین شده همچون، فرضیه تعریف عملیاتی، روایی، معنی داری، تحلیل قیاسی و تکرار پذیری الهام می‌گیرد.

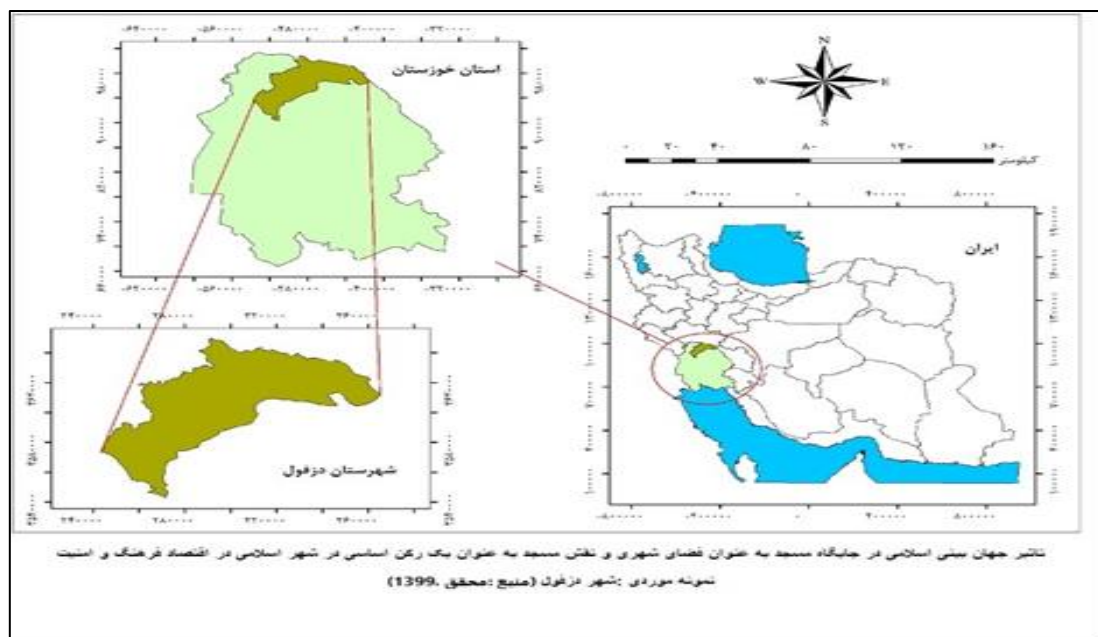
همچنین در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و تحقیق میدانی استفاده شد. به این صورت که با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و مرور اسناد و پژوهش‌های صورت گرفته مبانی نظری مورد نیاز تدوین می‌گردد. در ادامه پژوهش تنها به جمع‌آوری داده‌ها منحصر نمی‌شود (فقط کتابخانه‌ای نیست) بلکه در تداوم انجام آن داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از عرصه نمونه مورد مطالعه به صورت میدانی جمع‌آوری می‌شود. در تحقیق میدانی نیز از روش‌های متفاوتی چون مصاحبه، مشاهده، پرسشنامه و ... استفاده شد. در مجموع برای انجام این پژوهش از نظر ماهیت و نوع مطالعه، مفهومی و از نظر روش مطالعه، توصیفی - تحلیلی بوده و از حیث تجربی، شناخت فضایی و ساختاری فضایی کالبدی به وسیله نقشه‌پردازی شناختی از طریق کروکی‌پردازی و مصاحبه توأم با پرسشنامه، برای سنجش باز نمایی‌های شناختی و مفاهیم رفتاری در تعاملات اجتماعی صورت می‌گیرد. به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، روش

های تحلیلی توصیفی با استفاده از نقشه های به دست آمده و روش های مطالعات آماری بین پارامترهای کیفی و روش پیمایشی استفاده خواهد شد. از این رو ابتدا با استفاده از روش مطالعه، کتابخانه‌ای و مشاهده میدانی به تشریح، توضیح و چرایی وضعیت مساله پرداخته می‌شود. بر این اساس مبانی نظری تدوین و بر اساس آن محتوای پژوهش تنظیم می‌گردد. سپس با توجه به محتوا و مبانی نظری پژوهش، اطلاعات مورد نیاز از نمونه مورد مطالعه به منظور توصیف و تبیین موضوع پژوهش (رابطه کیفیت انسجام ساختار فضایی کالبدی و تعاملات اجتماعی) جمع آوری می‌شود.

موضوع پژوهش در ارتباط با دو مفهوم اصلی و کلیدی "انسجام ساختار فضایی-کالبدی" در طراحی شهری و "تعاملات اجتماعی" که به صورت مشترک در جامعه شناسی و طراحی شهری عنوان می‌شود. انسجام ساختار فضایی-کالبدی و تعاملات اجتماعی در ساختار خرد شهری یعنی محله و با توجه به رویکرد اسلامی ایرانی و به طور دقیق مسجد محله مورد بررسی واقع می‌شود.

معرفی منطقه مورد مطالعه

قلمرو جغرافیایی پژوهش، دزفول است. دزفول به عنوان یکی از مهمترین شهرهای استان خوزستان و مرکز شهرستان دزفول است. که می‌توان گفت از پیشینه تاریخی ساختار محله ای از قبل از اسلام برخوردار است و در تمامی تحولات تاریخی همچون سایر شهر ها که دارای دارای بافت با ارزش محله‌ای هستند، دچار تغییرات مشابه بوده است. انتخاب دزفول به عنوان شهری که در دوران مدرن از ساختار محله‌ای فاصله گرفته و چهره متفاوتی در بافت میانی و بیرونی به خود گرفته است اهمیت دارد. دزفول را می‌توان جزء شهر های میانی تقسیم بندی کرد که نه ویژگی های شهر تهران را داراست و نه شهری کوچک. الگوی توسعه شهر دزفول در دوران معاصر بدون هیچ گونه توجه به معیار های بافت گذشته بوده و نگاهی توسعه‌ای و الگو برداری صرف بدون توجه به ویژگی های محله‌ای صورت پذیرفته است. این پژوهش بصورت ویژه انسجام و ساختار فضایی- کالبدی مساجد را در محله‌های معاصر مورد بررسی قرار خواهد داد.



شکل ۵. موقعیت منطقه مورد مطالعه

منبع: (نگارنده، ۱۳۹۹)

شهرستان دزفول از دید جغرافیایی در ازای جغرافیایی ۴۸ درجه و ۲۴ دقیقه خاوری و پهنای جغرافیایی ۳۲ درجه و ۲۲ دقیقه شمالی گسترده شده‌است و بلندای آن از روی دریا ۱۴۰ متر می‌باشد دزفول بین ۴۸ درجه و ۲۰ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۳۱ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است و بین ۳۲ درجه و ۷۵ دقیقه عرض شمالی از خط استوا قرار گرفته است. دزفول شهری در جنوب غربی ایران است، که با مساحت ۴۷۶۲ کیلومتر مربع، سی‌امین شهر پرجمعیت کشور محسوب می‌شود و در کنار رودخانه دز، در بخش‌های جلگه‌ای استان خوزستان واقع شده‌است. از شهرهای شمالی خوزستان بشمار می‌آید. دزفول در فاصله ۷۲۱ کیلومتری از تهران و ۱۵۵ کیلومتری از اهواز، همچنین در فاصله ۳۰۰ کیلومتری از دریا قرار دارد. این شهر از لحاظ وسعت دومین شهر بزرگ استان خوزستان (پس از اهواز) می‌باشد که از سوی شمال با استان لرستان، از شرق با شهر مسجد سلیمان و نیز استان چهارمحال و بختیاری، از شمال غربی با اندیمشک، از جنوب با شوشتر و از غرب با شوش هم‌جوار می‌باشد. بر پایه سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ جمعیت شهرستان دزفول ۴۴۴،۰۰۰ نفر (در ۷۸،۳۴۸ خانوار) بوده‌است که ۲۶۴،۰۰۰ نفر از آنان در شهر دزفول ساکن بوده‌اند. دزفول در دامنه‌های زاگرس میانی جای دارد و پیشینه تاریخی آن به زمان ساسانیان بازمی‌گردد و پیش از آن نیز بعنوان بخشی از سرزمین‌های امپراتوری‌های ایلام و هخامنشیان به‌شمار می‌رود. فرهنگ مردم دزفول را می‌توان آمیزه‌ای از فرهنگ کهن خوزستان دانست. مناطق اطراف دزفول در حدود ۵ هزار سال، زیستگاه مردم این نواحی بوده‌است. دزفول دارای زمستان و پاییزی مدیترانه‌ای است و زیست‌بوم سرسبز آن از پایان زمستان تا ابتدای بهار بسیار دلپذیر است. این شهر با زیست‌بوم زیبای جلگه‌ای-کوهپایه‌ای و کوهستانی خود در سراسر سال و به ویژه در روزهای نوروز پذیرای شمار بسیاری از گردشگران است. گرم‌ترین و سردترین ماه‌های سال این شهر به ترتیب تیر و دی می‌باشند. بررسی یک دوره آماری آب و هوایی نشان دهنده آن است که حداقل درجه حرارت دزفول ۱۹ درجه و حداکثر آن ۴۵ درجه سانتیگراد می‌باشد. دزفول از شهرهای تأثیرگذار در وقوع انقلاب ۱۳۵۷ در ایران بوده‌است در خلال جنگ ایران و عراق نیز به دفعات توسط موشک‌های ارتش عراق، مورد حمله قرار گرفت. محدوده مورد مطالعه محله‌های شهر انتخاب شده است. محله به عنوان اولین حوزه شهری و مفصل میانی در بین فضای خصوصی و عمومی است. محله‌ها لایه‌های حفاظتی از مفاهیم غنی همچون حریم، خانه و خانواده هستند. مفاهیمی که هم در ادبیات ایرانی و هم در ادبیات اسلامی ستوده شده است. توجه به مسئله محله و سکونت فراتر از رفع مفاهیم مادی و نیازهای روزمره است. به همین دلیل محله بستر هم‌آغازی در انسجام فضایی است. در گذشته به ساختاری منسجم در نظام ذهنی و عملکردی خود رسیده بود. این ساختار منسجم در گذر زمان شکل گرفته و بتدریج مراحل تکامل خود را طی کرده است. سیر رشد بافت شهر در یک بازه زمانی دچار یک فراگشت و انقطاع شده و از مسیر تکامل خارج شده است. خروج از مسیر تکامل و از هم گسیختگی بافت محله نقش مهمی در عدم انسجام فضایی و حضور در فضای محله را به دنبال داشته است. اگر بخواهیم با دقت نظر بیشتر به مسجد در فضای شهری پردازیم در نمونه مورد مطالعه (شهر دزفول) مسجد را باید در سه لایه شهری شهری بررسی کرد. مساجد بافت تاریخی، بافت میانی، و بافت جدید شهری. در بافت تاریخی شهر دزفول بجز مراسمات آئینی حضورری کمرنگ‌تر نسبت به دو بافت دیگر مشاهده شده است. در بافت میانی

بدلیل شکل گرفتن در دوره پهلوی بیشتر مساجد موقوفی و دارای فضاهای کوچک مقیاس هستند. و در بافت متجدد، از قبل برنامه‌ریزی شده می‌باشند و دارای ظرفیت به مراتب بیشتری در محدودیت زمانی مورد استفاده هستند

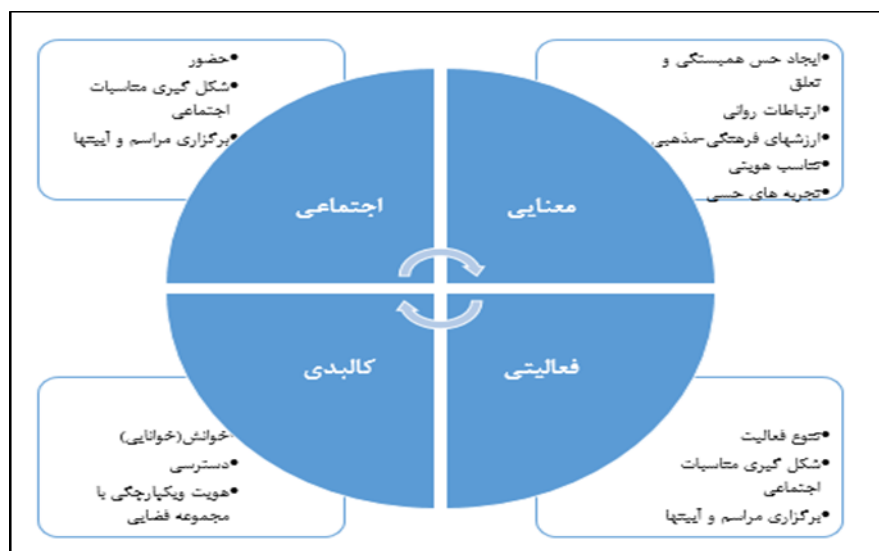
یافته های پژوهش

کل‌گرا	اهمیت کل به‌عنوان منشاء شکل‌گیری اجزاء	پیروی از روابط حاکم بر کل	ایجاد کل یکپارچه با نظمی در هم نفوذ یافته
سازمندگرا	گرایش اجزاء به هنگام شکل‌گیری برای وابستگی به نظام آفرینش	همگرایی با روندهای طبیعت	ایجاد کل هدفمند و سازگار با روندهای طبیعت
زیبایی‌گرا	تأثیر مثبت بصری اجزاء بر یکدیگر	هماهنگی و تناسب اجزاء	ایجاد کل هماهنگ و آراسته
ساختارگرا	همگرایی فضایی میان اجزاء و کل	عناصر فضایی شهر و امکانات ترکیبی آنها در یک محدوده خاص	ایجاد کل از نظر فضایی به هم پیوسته و خوانا
زمینه‌گرا	همگرایی اجزاء با ارزش‌های تاریخی و فرهنگی جمعی	هم‌خوانی با زمینه کالبدی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی	ایجاد کل معنادار

جدول ۱. انسجام، عامل تعیین‌کننده و هدف از شکل شهر منسجم

منبع: (نگارندگان، ۱۳۹۹)

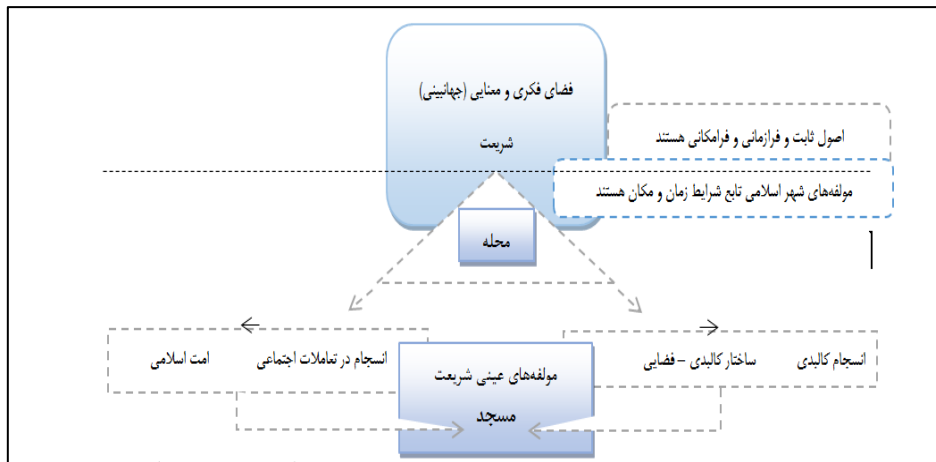
مسجد در فضای عمومی شهری با رویکرد معناشناسانه به فضای سکونت



نمودار ۵. مدل تبیین شده از فرآیند دل‌بستگی به مکان

منبع: (نگارنده، ۱۳۹۹)

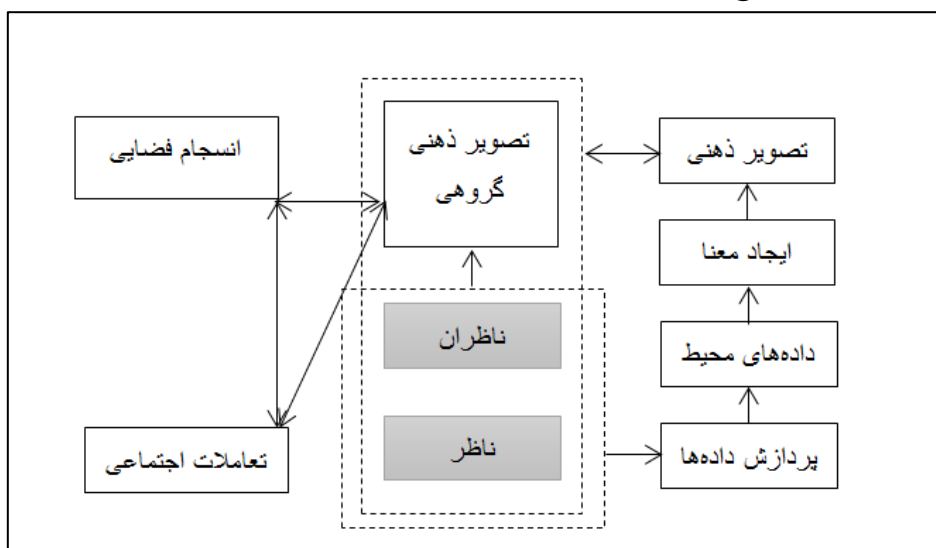
مطالعات نشان می‌دهد، وجود رویدادها و مراسم دوره‌ای یا فعالیت مدام بر مکان موجب تقویت دل‌بستگی به مکان را بوجود می‌آورد برگزاری مراسم و آیین‌ها از جمله مواردی است که زمینه تعاملات اجتماعی را فراهم می‌کند. یک رنگی، وحدت و یکپارچگی رفتاری از جمله پیامدهایی است که در فضای پیرامونی مسجد شکل می‌گیرد. حضور و شرکت در نماز جماعت در ساعاتی از روز خود از همین نمونه است. این پیوند های اجتماعی از جمله هویت های اجتماعی هستند که بر نوع الگوهای رفتاری و شدت تعاملات اجتماعی می‌افزایند.



نمودار ۶. رابطه فضایی - کالبدی محله و مسجد در انسجام و پیوستگی کالبدی و اجتماعی

منبع: (نگارنده، ۱۳۹۹)

به نظر می‌رسد توجه به ابعاد فرهنگی بر پایه جهان‌بینی اسلامی گامی مؤثر و بنیادی در جهت کیفیت فضای مطلوب برای دستیابی به مفهوم سکونت و انسجام اجتماعی و فضایی در شکل‌گیری "محله مطلوب‌تر" خواهد بود. مفهوم سکونت به معنای وقوع رخداد‌های با معنا بوسیله اعمال و رفتار در "فضا" و "مکان" شکل می‌یابد. محله در ادبیات اسلامی - ایرانی، بستری برای تجربه شکل‌گیری این مفهوم است. محله مصداق مفهوم و معنا در بکارگیری سکونت در بستر است. تصویر ذهنی حاصل فرآیندی دوجانبه و مستمر بین ناظر و محیط اوست. محیط با مظاهر خاص خود در ذهن، ادراک و تجارب ارتباطی به وجود می‌آورد. مرحله اول انتخاب برخی مظاهر، مرحله بعد به نظام درآوردن آن و نهایت معنا دادن به اندوخته‌های درون ذهن می‌پردازد (پورجعفر و اسماعیلیان، ۱۳۹۲)، بین نظام فعالیت و تصویر ذهنی مردم از محیط کالبد، همبستگی زیادی وجود دارد. تصویر ذهنی با انسجام فضایی را مرتبط دانسته و معتقد است که در ضمیر هر ناظر بین اجزاء و ساختار کل شهر، ترکیبی نمادین و سازمان یافته صورت می‌پذیرد. پس از پردازش داده‌های محیط به ایجاد رابطه و نظم ساختاری در تصویر ذهنی پرداخته می‌شود و در نهایت پایه و اساس کنش‌ها و نوع تعاملات اجتماعی خواهد بود.



نمودار ۷. رابطه تصویر ذهنی ناظر در انسجام فضایی محله

منبع: (نگارنده، ۱۳۹۹)

نتیجه گیری و دستاورد علمی پژوهشی

مسجد، شهر، هویت مکان نماز (مسجد) یا هویت شهر اسلامی ارتباط نزدیکی دارد در واقع، هویت شهر اسلامی با هویت مسجد گره خورده است، یا به عبارتی، مسجد به عنوان عامل برجسته و بارز هویتی شهر اسلامی ایفای نقش میکند. مسجد به عنوان عنصر خاص مجتمع های مسلمانان، با کالبد شهر و اجزای آن ارتباطاتی خاص خود را طلب میکند تا بتواند بهترین و مناسبترین عملکرد را داشته باشد و مسجد هویتی جاودانه دارد. هویت جاودانه بناها به همان اندازه جزیی از طبیعت است که هویت رودها، درختان، تپه ها، شعله ها و ستارگان. مسجد به عنوان نماد هویت شهر اسلامی از ابتدای ظهور اسلام، یکی از بارزترین وجوه هویتی جامعه و شهر اسلامی، مسجد بوده که هم از جنبه هویت ظاهری و هم از بعد هویت معنوی، ایفای نقشی بنیادین را عهده دار بوده است. از صدر اسلام و تا قبل از ورود الگوهای غربی و تکرار و تقلید از آنها، مساجد نخستین و شاخصترین عناصر شهرهای مسلمانان بودند که نظر تازه واردین را به خود جلب میکردند، و به عنوان عامل اصلی هویتی این شهرها و جوامع ایفای نقش می کردند. به بیان دیگر، به دلیل جامعیت و اهمیت و تعدد نوع مکان گیری و جایگاه والای این عنصر مقدس در شهرهای مسلمانان و همچنین به دلیل ارتباط و هماهنگی اش با سایر عناصر اصلی شهر و همینطور به دلیل عملکرد خود، میتوان گفت که مساجد از اصلیتترین عوامل هویت دهنده معنوی و ذهنی و کالبدی همه مجتمع های زیستی مسلمانان اعم از شهر و روستا بوده اند. این هویت بخشی نه تنها در شکل و سیما حتی از نظر صوتی و ویژگیهای دیگری چون عملکردی بودن و مرکزیت و مکان استقرار نیز به ظهور و بروز می رسید نقش مساجد در هویت بخشی شهر اسلامی مسجد اولین فضای معماری بود که در صدر اسلام و به هنگام ظهور مهاجرت پیامبر اعظم (ص) به مدینه خلق شد و از مصادیق بارز جامعه اسلامی گردید و سبب نقش آفرینش در تمام عرصه ها و شئون جامعه ی اسلامی، گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی را در پی داشت. مسجد به عنوان مکانی عبادی-سیاسی که مسلمانان در آن بزرگترین و مهمترین تصمیمات اجتماعی را می گیرند، همواره مطرح بوده است نقش و هویت مساجد در توسعه شهری یکی از بارزترین وجوه هویتی جامعه اسلامی مساجد بوده است، مساجد از اصلیتترین عوامل هویت دهنده معنوی و ذهنی و کالبدی مجتمع های زیستی مسلمانان می باشد. این هویت بخشی نه تنها در شکل و سیما، بلکه از نظر ویژگیهای دیگری چون عملکردی بودن و مرکزیت و مکان استقرار نیز به ظهور و بروز میرسد. نقش مساجد در ایجاد هویت بسیار پررنگ است به طوری که توسعه اغلب شهرهای اسلامی متأثر از مسجد اصلی شهر بوده که در ساختار شهر اسلامی به عنوان مهمترین عنصر کالبدی شهر جایگاه ویژه ای دارد.

مسجد و هویت شهری وجود یک کانون مذهبی در هر جامعه ای، همواره در تمام طول تاریخ جایگاه و نقش ویژه ای داشته است. مسجد هم به عنوان یک نقطه کانونی در جوامع مسلمان همواره از نقش و کارکرد ویژه ای برخوردار بوده است. مساجد کانون حرکت های انقلابی نیز بوده اند و منشأ بسیاری از حرکت های اسلامی، همچون انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، محسوب میشوند. پس بر مردم و نهادهای تصمیم گیر و تأثیرگذار واجب است که حداکثر تلاش خود را به کار گیرند تا بتوانند جایگاه مسجد را در زندگی و بافتهای شهری حفظ کنند. با وجود ناحیه گرایی در شهرهای اسلامی و آسیب پذیری شهرها و محلات اسلامی و رشد و گسترش شهرکهای جدید با محلات نامتناسب، نقش مساجد در بهبود و بهینه سازی توسعه شهری و محلهای در راستای ایجاد یک منطقه یا

محله فعال و زنده شهری از لحاظ کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جهت تأمین مطلوب نیازها و خواسته های شهروندان به ویژه حفظ هویت و احیای فضاها و ابنیه قدیمی و تاریخی ارزشمند از یک سو و ارتقای تولیدی شهر یا محله و استفاده بهینه و بههنگام از زمین و تولید اراضی شهری مناسب جهت توسعه شهری و محله های سازمان یافته و اصولی با تعیین کاربریها و عملکردهای مطلوب از سوی دیگر یا به عبارت کلی تر سازماندهی ساختار فضایی-کالبدی محلهای و استفاده بهینه و به هنگام از پتانسیلها و قابلیت‌های بالقوه محلهای و ایجاد تعادل میان کالبد قدیم و جدید شهری از اهمیت به سزایی برخوردار گردیده است.

پارادایم اصلی پژوهش حاضر فرهنگ‌گرایی است. رویکردی این پارادایم اجتماع محور در جهت بهبود رضایت شهروندان است. از منظر کلان فرهنگ، قالبی برای شکل‌گیری نوع رفتار است. محیط انسان‌ساخت تا زمانی که تأثیر یافته از فرهنگ خود باشد، همچون ابزاری، تنظیم کننده رفتار در کالبد شهر و فضای سکونت خواهد بود. فرهنگ شکل‌دهنده نظام ذهنی است. اگر رابطه نظام ذهنی با ساختار فضایی محیط انسان‌ساخت و ارزش های فرهنگی تطابق داشته باشد زمینه‌های ایجاد یکپارچگی و انسجام فضایی شکل می‌گیرد. یکی از شاخص‌ها و فاکتورهای فرهنگی در ساختار محله که بر گرفته از جهان بینی و مکتب اسلامی بوده، مسجد است. مسجد یکی از عناصر وحدت‌بخش محله‌های اسلامی- ایرانی بوده است. از طرفی محله در معنای حقیقی عبارت است از همزیستی یک گروه محلی که بر اساس مجاورت و همسایگی استوار بوده و به همین دلیل ساکنین آن دارای منافع مشترک و یکسانی شده‌اند. منافع مشترک را می‌توان به دو دسته تقسیم‌بندی کرد: منافع مشترک مادی و منافع مشترک معنوی. شاید در نگاهی سطحی تصور کرد که هر دوی این منافع چه مادی و معنوی در شرایط جدید زندگی شهری نه الزامی است و نه کاربردی، به این معنا که ورود به عصر تکنولوژی انسان را از این منافع مشترک مبرا ساخته است؛ اما نکته ظریفی که باید بدان توجه کرد، وجود خلاء ایست که در شهرهای امروز بیش از هر زمانی احساس می‌شود. عوامل موثر بر ساختار محله‌های شهر اسلامی، شامل مادی و فرامادی است. عوامل مادی نظیر عوامل طبیعی و مصنوع است. از جمله عوامل طبیعی می‌توان به اقلیم اشاره داشت. توجه به اقلیم و زیست بوم در شهرهای اسلامی مجموعه‌ای اقدامات و تکنیک‌های ساخت را در قالب عوامل مادی تشکیل داده است. از جمله عوامل فرامادی می‌توان به ارزش‌ها و باورهای یک جامعه تاکید داشت که در جهان‌بینی آن اجتماع را در بر گرفته است. در ادبیات برنامه‌ریزی و طراحی شهری معاصر، پرداختن به مقیاس‌های خرد شهری در سلسله مراتب نظام تقسیمات شهری، به عنوان مهمترین مقیاس سکونتی مورد توجه قرار گرفته است. می‌توان گفت محله یکی از اندام های زنده و رو به رشد شهر محسوب می‌شود. اگر فرآیند رشد شهر در جهت تکامل خود قرار گیرد، محله‌های منسجمی شکل خواهد گرفت که در نهایت زمینه‌سازی بافت یکپارچه ای را در کل شهر انتظار می‌رود. اصل هم‌پیوندی که یکی از اصول معماری و شهرسازی ایران است. از خرد فضاها شهری و محله‌ها شروع می‌شود و در کل به ساختاری منسجم خواهد رسید. ویژگی های خاصی که در محله‌های گذشته شهرهای ایران شکل گرفته بود در ادبیات شهرسازی با هویت اسلامی- ایرانی شناخته می‌شود. خروج از انسجام در ساختار و بافت شهر های ایران در یک مقطع زمانی سبب تغییر و دگرگونی بشکل متجدد شده است و شیرازه محلات به هم ریخته و محلات را از ساختار منسجم خود خارج کرده است. با وجود آمدن تغییرات شکل گرفته و همچنین تاثیرات سایر عوامل اثر گذار، ضرب آهنگ و ریتم انسجام در ساختار، متغیر گشته است. این تغییر بدون پیوستگی با متن و زمینه

خود بوده است. اما ویژگی محله‌های معاصر، نه در راستای تکامل و نه در ایجاد حس هویت و توسعه تعاملات اجتماعی بوده است. برای رسیدن به محله‌ای با مختصات روح اجتماعی و تقرب به محله‌های اسلامی - ایرانی، بازخوانی مجدد ارزش‌های مسستر در فضاهای ارزشی و فرهنگی از جایگاه منحصر بفرد برخوردار است. در این پژوهش توجه به رابطه انسجام فضایی و تعاملات در بستر محله مورد مطالعه و سنجش قرار می‌گیرد. رسیدن به چنین دست‌یافتی، در محله‌های اسلامی - ایرانی محله‌های شهری معاصر می‌تواند به ارائه مدلی و نقشه راهی، جهت ایجاد ارتباطات مورد انتظار در سطح محله بیانجامد. تعمیم دادن این مدل با در نظر گرفتن تأثیرات و شرایط زمینه‌ای در سایر محلات امکان‌پذیر است. این پژوهش تلاشی برای عطف به کمبود مطالعاتی، در تشریح پیوند بین خصیصه‌های کالبدی و اجتماعی محله خواهد بود. تبیین ویژگی‌ها و روابط که بین تعاملات اجتماعی و نقش انسجام‌دهندگی و ساختار فضایی - کالبدی مسجد شکل می‌گیرد. مساجد به عنوان جزئی از ساختار فضایی - کالبدی شهر، عنصری شکل‌دهنده و از محوریت‌ترین و ارزنده‌ترین عنصر کالبدی متبلور کننده جامعه اسلامی است که دارای عملکردهای متعدد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی در توسعه شهری دارند. مساجد یک شهر میتوانند به عنوان نشانه در ذهن شهروندان نقش بسته و علاوه بر آنکه آنها را به معانی معنوی متذکر گردیده به صورت نشانه‌های شاخص در هویت شهر ایفای نقش میکنند. مساجد در شهرها به عنوان نماد شهر و سمبل هویت اسلامی در شهرها تبدیل شده‌اند و جایگاه و نقش ویژه‌ای در شهرها دارند در واقع مساجد نمود هویت شهری هستند، هویت تفسیری است که انسان از ارتباط خود با تاریخ در گذر زمان ارائه میدهد، هویت شهرها تنها تحت تأثیر عناصر فیزیکی و کالبدی نیست بلکه عناصر مادی و معنوی زیادی در هویت شهر نقش ایفا میکنند، مساجد در شهرها نیز به عنوان یک هویت خاص شناخته شده و یکی از ارکان اصلی توسعه شهری نیز به شمار می‌روند.

مؤلفه‌های هویت مندی مساجد در شهرهای اسلامی و نقش مساجد را که یکی از ارکان توسعه شهرهای اسلامی می‌باشند و همبستگی مستقیمی که در همه دوره‌ها بین نقش مسجد و هویت وجود داشته است را به وضوح نشان داده تا مسجد را همواره به عنوان یک سرمایه اجتماعی شاخص هویت‌دهنده در توسعه شهرها تلقی نماید. باشناخت و بکارگیری و گسترش ایجاد مساجد در شهرها و محله‌ها بخشی از هویت شهری را حفظ و گامی تأثیرگذار در توسعه شهری داشته باشد.

منابع

- امامی، سید محمد؛ زبردست، اسفندیار (۱۳۹۳)، ارزیابی طرح‌های توسعه شهری بر اساس اصل همپوندی و اتصال با استفاده از روش AHP"، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۱۱، تهران.
- امیرفخریان، مصطفی، پوراحمد، احمد، رهنما، رحیم، شکوهی، اجزاء، محمد (۱۳۹۴)، بررسی انسجام درونی محله‌های شهری در شهرهای اسلامی و تقابل آن با پروژه‌های نوسازی شهری، نمونه محله عامل شهر مشهد، ۱۳۹۴، مجله جغرافیای و توسعه فضای شهری، سال دوم شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴، شماره پیاپی ۲
- بمات، نجم‌الدین (۱۳۶۹)، شهر اسلامی، ترجمه محمد حسین حلیمی، منیژه اسلامبولچی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- بمانیان، محمد رضا، پورجعفر، محمد رضا، احمدی، فریال، صادقی، علی رضا (۱۳۸۹)، بازخوانی هویت معنوی و انگاره‌های قدسی در معماری مساجد شیعی، فصلنامه پژوهشی شیعه‌شناسی، شماره ۳۰

- براتی، ناصر (۱۳۸۱)، نگاهی نو به مفهوم شهر از نظرگاه زبان و فرهنگ فارسی، مجله علمی - پژوهشی هنرهای زیبا پورجعفر، محمدرضا و اسماعیلیان، سحر (۱۳۹۲)، در جستجوی معیارهای شکل‌دهنده شبکه فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران، نمونه موردی: اصفهان، دردشت، مدیریت شهری، شماره ۳۱.
- توسلی، محمود، بنیادی، ناصر (۱۳۷۱)، جلد اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول
- تولایی، نوین (۱۳۸۵)، شکل شهر منسجم، صفه، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۵
- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۶۷)، مقدمه‌ای بر آشنایی با مبانی برنامه‌ریزی و طراحی شهری، جزوه شماره ۲، مرکز آموزش شهرسازی و معماری، جهاد دانشگاهی دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۱)، چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوان‌بندی محله، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۳، تهران.
- دانشپور، عبدالهادی، سپهری مقدم منصور، چرخچیان، مریم (۱۳۸۸)، تبیین مدل «دلبستگی به مکان» و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۱، شماره ۳۸، تابستان ۸۸
- فصلنامه علمی - پژوهشی نقش جهان، شماره ۱-۵، تهران.
- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۳)، از شار تا شهر، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۹)، فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو، انتشارات کرامت، تهران
- خیرآبادی، مسعود (۱۳۷۶)، شهرهای ایران، مترجمین: حسین حاتمی‌نژاد و عزت‌ا... مافی، مشهد، نشر نیکا
- دانشپور، سید عبدالهادی، سپهری مقدم، منصور، چرخچیان، مریم (۱۳۸۸)، تبیین مدل دلبستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، شماره ۳۸، تابستان ۸۸
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۸۶)، فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شکوهی، علی (۱۳۹۲)، نقش سیره و اندیشه پیامبر اعظم (ص) در شکل‌گیری تمدن و شهرنشینی بزرگ اسلامی " طاهری، جعفر، ۱۳۹۲، بازاندیشی مفهوم سکونت در معماری، دوفصلنامه معماری ایرانی، شماره ۴، پائیز و زمستان ۹۲.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۹)، مسجد و مدرنیت، وبلاگ فرهنگشناسی (<http://www.farhangshenasi.com/persian>)
- فاضلی نعمت‌الله، (۱۳۸۷)، مدرن یا امروزی شدن فرهنگ ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، (مدرن یا امروزی شدن فرهنگ ایران، ایسکانیوز، به نقل از سایت فرهنگ‌شناسی (وبلاگ شخصی دکتر فاضلی)
- فرید، یدالله، ۱۳۷۵، جغرافیا و شهرشناسی، چاپ چهارم، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز
- فکوهی، ناصر، (۱۳۸۳)، انسان شناسی شهری، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- محمدصادق فلاح؛ لیلا کمالی؛ صمد شهیدی (بی تا)، نقش مفهوم حس مکان در ارتقای کیفیت حفاظت معماری دوره ۱۴، شماره ۴۶.
- قبادیان، وحید، (۱۳۸۲)، معماری در دارالخلافة ناصری، سنت و تجدد در معماری معاصر تهران، تالیف، نشر پشتون و مهندسین مشاور معماری سفید
- کریمی، اردلان، شرقی، زهرا. (۱۳۹۹)، بررسی مدل‌های طراحی شهری فرایند محور و نقش آن در بهبود مداخلات در مراکز شهری. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای. 809-821, (2-2) 10
- مدنی‌پور، علی (۱۳۸۷)، فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه فرشاد نوریان، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری

مهری عبدالکریم و ابراهیمی دهکردی، امین (۱۳۹۶)، بازشناسی نقش مسجد در هویت و روند توسعه شهرهای اسلامی. کنفرانس پژوهش های معماری و شهرسازی اسلامی و تاریخی ایران.

میر دهقان اشکذری، سید فضل الله، زارعی، محمد ابراهیم، نوری، جعفر (۱۳۹۸)، ساختار کالبدی- فضایی شهر یزد از آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره آل مظفر براساس مدارک و شواهد موجود. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، 9(4), 159-178.

میرزاخانی، عبدالرحمان؛ درویشی، صیاد (۱۳۹۳)، بررسی رابطه انسجام اجتماعی با پیشگیری اجتماعی از جرم، فصلنامه مطالعات اجتماعی، شماره ۳۸، تهران.

نصر، سید حسین ۱۳۷۵، هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، دفتر مطالعات دینی هنر، تهران، ۱۳۷۵.
نقره کار، عبدالمجید (۱۳۹۳)، مبانی اصول و ارزش های اسلامی در معماری و شهرسازی، جزوه کلاسی، دانشگاه علم و صنعت ایران.

نقره کار، عبدالمجید، علی الحسابی، مهران (۱۳۹۶)، تحقق پذیری هویت در معماری و شهرسازی؛ با تأکید بر ارتقاء هویت اسلامی-ایرانی در شهرهای جدید، نشر: کتاب فکر نو، تهران.

نقی زاده، محمد (۱۳۸۵)، معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)، انتشارات راهیان، اصفهان، ۱۳۸۵.
نقی زاده، محمد (۱۳۹۲)، تحلیل و طراحی فضای شهری (مبانی، تعاریف، معیارها، و شیوه ها)، انتشارات جهاد دانشگاهی
نقی زاده، محمد (۱۳۹۵)، نظریه؛ فضای حیات طبیه، شهر آرمانی اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، پائیز ۱۳۹۵.

یگانه، منصور؛ بمانیان، محمدرضا (۱۳۹۴)، تحلیلی بر ابعاد پیوستگی توده و فضا در عرصه های عمومی شهری"، مجله مدیریت شهری، شماره ۳۹، تهران.

- Allen, Barbara (2007), Le quartier a l'articulation denjeux spatiaux temporal, dans: jean-Yves Authier, Le quartier. Enjeux scientifiques, actions politiques sociales, La Decouverte, coll.
- Proshansky, H.M. (1978), "The City and Self-Identity", Environment and Behavior, 10:2, 147-169.
- Falahat, M. (2005). Sense of Place in the Physical Design of Mosques. HONAR-HA-YE-ZIBA, 22 (5), 35-42.
- Ayhan, Irem and Cubukcu, k.mert (2010). Explaining histirical urban development using the location of mosques:A Gis/spatial statics-based approach, Applied Geography, Vol.30229-238
- Stock, Mathis (2003), Pratiques des lieux, styles d'habiter, regimes d'habiter. Pour une analyse trilogique des
- Rezazade, R. (2004). The Role of Architecture in Revealing Meaning and Concepts. Mosque Architecture: Traditional or Innovative?. HONAR-HA-YE-ZIBA. 18, 37-48.